

رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری مادران و عزت نفس دانش‌آموزان دختر ناشنوا و شنوا

دکتر سیمین حسینیان^۱، دکتر مه‌سیما پورشه‌ریاری^۱ و فاطمه نصرالله کلانتری^{۱*}

تاریخ دریافت: ۸۶/۱/۱۵ تاریخ تجدید نظر: ۸۶/۶/۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۸۶/۹/۲۸

چکیده

هدف: بن تحقیق با هدف بررسی و مقایسه رابطه بین شیوه‌ی فرزندپروری مادران و عزت نفس دانش‌آموزان دختر ناشنوا و شنوا در مقطع متوسطه شهر تهران، انجام پذیرفته است. **روش:** روش تحقیق توصیفی با تاکید بر همبستگی است و نمونه ماری شامل ۶۹ دانش‌آموز دختر ناشنوا و ۱۲ دانش‌آموز دختر شنوای مقطع متوسطه و مادران هر دو گروه بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. برای -آوری اطلاعات از پرسشنامه عزت نفس کوپراسمیت و پرسشنامه شیوه‌ی فرزندپروری بامریند استفاده شد و به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمونهای آماری استودنت برای گروههای مستقل و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که بین شیوه‌ی فرزندپروری مادران دانش‌آموزان ناشنوا و شنوا تفاوت معناداری وجود ندارد. $P < 0.01$ بیشتر مادران هر دو گروه نمونه از شیوه فرزند پروری مقتدرانه بهره می‌گیرند. بین عزت نفس دانش‌آموزان ناشنوا و شنوا تفاوت معنادار وجود دارد. $P < 0.01$ ، بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه مادران با عزت نفس فرزندان در هر دو گروه ناشنوا و شنوا رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. $P < 0.05$. **نتیجه‌گیری:** از آنجا که یافته‌ی پژوهش حاکی از -بود رابطه مثبت و معنادار بین شیوه‌ی فرزند پروری و عزت نفس دانش‌آموزان ناشنواست، ارائه آموزشهای لازم به والدین -دانش‌آموزان برای رابطه بهتر و مؤثرتر با آنها، ضروری موند است.

واژه‌های کلیدی: فرزندپروری، عزت نفس، ناشنایی

دانشگاه الزهرا

* نویسنده رابط: تهران - ده‌ونک - دانشگاه الزهرا ۸۰۴۰۵۹۴ - ۰۲۱ (mail:dehnoo444@yahoo.com)

مقدمه

خانواده، نخستین و منحصر به فردترین نهاد اجتماعی است که سلامت و موفقیت هر جامعه را مرهون سلامت و رضایت مندی اعضای آن دستاورد و شیر هریک از افراد و هریک از روابط مثبت یا منفی آنها از دوام و عمق و شدت زیادی برخوردار است. (گلدبرگ و گلدبرگ ۲۰۰۰)

نقش ارتباطات درون خانوادگی، ارتباط والدین باهم، والدین - فرزندان و فرزندان با یکدیگر در شکل گیری شخصیت افراد، آرامش خاطر، اعتماد به نفس، توان سازگاری و نهایتاً بروز رفتارهای مناسب و عدم ابتلا به اختلالات روانی شان توجه است. (گزارش سازمان ملی جوانان ۳۸۱؛ به نقل از محرابی ۱۳۸۳)

شیوه های فرزندپروری را می توان مجموعی از رفتارها دانست که تعاملات والد - فرزند را در طول دامنه گسترده ای از موقعیتهای توصیف می کند. (علیزاده و اندرایس، ۲۰۰۲)

بامریند (۱۹۷۱، ۱۹۸۹، ۱۹۹۱) که مطالعات طولی برجسته ای را با مشاهده تعاملی والدین با فرزندان خود انجام داد، شیوه های فرزندپروری را شامل رفتارهای گوناگون، متنوع، بهنجار و طبیعی می داند که والدین به منظور کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان به کار می برند. (بامریند ۱۹۹۱؛ به نقل از دارلینگ ۱۹۹۹)

وی دریافت که شیوه های مختلف فرزندپروری والدین در دو بعد، با یکدیگر تفاوت دارند. بعد اول، توقع^۱ و کنترل و بعد دوم، پذیرندگی^۲ و اجابت کنندگی^۳؛ ترکیب گوناگون دو بعد توقع / کنترل و پذیرندگی / اجابت کنندگی چهار شیوه فرزندپروری را بوجود می آورد که پژوهش بامریند بر سه شیوه آن متمرکز است: مقتدرانه^۴ (دمکراتیک)، مستبدانه - سهل گیرانه. چهارمین شیوه یعنی شیوه کنار گیر^۵ (مسامحه کار) را محققان دیگری مورد مطالعه قرارداد اند. (برک ۲۰۰۰)

مطالعات بعدی بروفی^۹، ۱۹۸۹؛ دد رت^{۱۰}، دی ولف^{۱۱} و رتر^{۱۲} ۱۹۹۲؛ فورمن^{۱۳} و کاجانسک^{۱۴} (۲۰۰۱) از یافته های بامریند درخصوص تاثیر شیوه های فرزندپروری بر رفتار فرزندان حمایت کرد به نقل از برنز (۲۰۰۶).

جدول ۱- ابعاد شیوه‌های فرزندپروری دیانا بامریند: اقتباس از برنز، ۲۰۰۶

شیوه فرزندپروری	دوران کودکی	دوران نوجوانی
اقتداری (دمکراتیک) «آن کار را انجام بده زیرا ...»	سرزندگی و شادابی، عزت نفس بالا، خودکنترلی بالا، قانع بود، همکاری	سطوح بالای بلوغ و کفایت اجتماعی و اخلاقی، پیشرفت علمی، خلاقیت، سازگاری مسئولیت پذیری
مستبدانه (والد محور) «آن کار را انجام بده!»	مضطرب - ناشایسته - منزوی و گوشه‌گیر - ناسازگار - بدگماز - خصومت در صورت ناکامی	سازگاری کمتر با همسالان خود، اعتماد به نفس کم همراه با احساس بی‌کفایتی، و کمرویی، خلاقیت و استقلال کم
سهل‌گیرانه (فرزندمحور) «می‌خواهی آن کار را انجام دهی»	تکانشه - نافرمانی و سرکشی - متوقع و وابسته به بزرگسالان - خودکنترلی ضعیف	ضعف در مهار خود و کفایت اجتماعی، عملکرد ضعیف در مدرسه، احتمال بیشتر بزهکاری و مصرف مواد مخدر
مسامحه‌کار (کناره‌گیر) «هرکاری می‌خواهی انجام بده»	نقص مهارت‌های عاطفی، اجتماعی، ضعف در تکالیف مدرسه، و پیشرفت تحصیلی ضعیف، بی‌خاشگیری، خودکنترلی و عزت نفس بسیار ضعیف	خودمهارگری و عملکرد مدرسه‌ای و تحصیلی ضعیف، عزت نفس پایین، خصومت و استفاده زیاد از داروهای مخدر.

جدول ۲ - خلاصه‌ای از تأثیرات شیوه‌های مختلف فرزند پروری بامریند، ۱۹۹۱ برگرفته از برنز، ۲۰۰۶

شیوه فرزندپروری مقتدرانه	توقع / کنترل ↑	پذیرندگی / اجابت‌کنندگی ↑
شیوه فرزندپروری مستبدانه	توقع / کنترل ↑	پذیرندگی / اجابت‌کنندگی ↓
شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه	توقع / کنترل ↓	پذیرندگی / اجابت‌کنندگی ↑
شیوه فرزندپروری کناره‌گیر	توقع / کنترل ↓	پذیرندگی / اجابت‌کنندگی ↓

همان‌گونه که در جدول ۲ نیز ملاحظه می‌شود بامریند (۱۹۹۱) دریافت که مطلوب‌ترین نتایج تحولی که سبب سازگاریهای مختلف در فرزندان و رشد همه جانبه آنان می‌شود، با شیوه فرزندپروری مقتدرانه والدین در ارتباط است (به نقل از برنز ۲۰۰۶). یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای یک شخصیت رشد یافته، داشتن عزت نفس است. خصوصاً این نیاز مبرم بشری در دوره نوجوانی، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا نوجوان دارای سطح بالای عزت نفس، مؤثرتر می‌آموزد، روابط سودمندتری برقرار می‌کند، بهتر می‌تواند از فرصت‌ها استفاده کند و مولد و خودکفا باشد (کلمز و همکاران، ترجمه علیپور ۳۸۳).

عکس، نوجوانی که عزت نفس کمتری دارد، به آسانی تحت تأثیر دیگران قرار می‌گیرد، خود را ناتوان و بی‌ارزش می‌پندارد، از امکانات و استعدادهای خود ارزیابی

ضعیفی دارد و در امور مختلف زود ناامید می شود. بیابانگرد (۱۳۸۰) عزت نفس یا احساس ارزشمند بودن، همان رضایت فرد از خویشتن است. ه نتر (۲۰۰۶) از عزت نفس ه مثابه دیدگاه فرد نسبت به خود، به جهات جسمانی روانی و هیجانی یاد می کند. فرانکن (۹۹۴) عزت نفس را غرور و افتخاری می داند که وقتی که فرد به نقایص خویش واقف می شود و آنها را می پذیرد و سعی می کند آنها را رفع کند، به او دست می دهد. (به نقل از صدرالسادات ۱۳۸۰)

عوامل متعددی در شکل گیری و رشد عزت نفس دخیل هستند، اما نگرشهای والدین و شیوه ی تربیتی آنان در جاد حس خود ارزشمندی فرزندان، عامل اولیه و اساسی به شمار می رود. (مک آرتور، ۲۰۰۴). نتایج تحقیقات مختلفی از جمله تحقیقات فلیگر و واسونی (۲۰۰۶)، آنولا (۲۰۰۰)، هرز و همکاران ۱۹۹۹، به نقل از برجعلی، (۳۷۸)، ه فمن و شیف ۹۹۳ به نقل از آقاجری (۳۷۴) نشان می دهد که بین شیوه ی مختلف فرزندپروری والدین با میزان عزت نفس نوجوانان رابطه وجود دارد؛ بدین معنا که نوجوانان دارای والدین مقتدر، عزت نفس بالاتری نسبت به نوجوانان دارای والدین مستبد سهل گیر و یا مسامح گر دارند.

همار گونه که داشتن عزت نفس قوی در افراد عادی جامعه، بسیار حائز اهمیت است، در افراد استثنای از جمله گروه ناشنوایان، خصوصاً نوجوانان نه تنها بر پیشرفت تحصیلی و شغلی آنها اثر می گذارد، بلکه در برقراری روابط اجتماعی بهتر، سازگار ی عاطفی بیشتر، مشارکت در امر اجتماعی، احقاق حقوق خود، بهر مندی از فرصتهایی که در اختیارشان قرار می گیرد، بسیار مؤثر است.

لوث و ساریجانی^{۱۵} ۱۹۸۶، به نقل از اسلا دوست ۳۸۳، کاپلی و همکاران ۹۹۵) و پادلاس ۹۹۶) در پژوهش ی جداان ای گزارش کرده اند که دانشر آمو ان ناشنوا در مقایسه ب دانشر آمو ان شنو، عزت نفس ک تری دارند. ب خی پژوهش ی داخلی نیز از ن نتایج حمایت می کند.

ام مورس^{۱۶} ۱۹۹۵، به نقل از کشاورزی ارشدی ۳۸۴) در پژوهش خود به نتایج متفاوتی دست یافت. او پس ا یک بررسی سه ساله بر روی ۹۲۰ دانشر آمو ز ناشنوا گزارش کرد که خود پنداره آنه، با اندک تغییری در طبق بندیهای مختلف به خوبی درون دامنه بهنجار خودپنداره قرار می گیرد (کشاورزی ارشدی ۱۳۸۴). ختار بختار

(۱۳۷۹) نی در پژوهشی که ی بررسی و مقایسه عزت نفس دختران ناشنوا و شنوا انجام داد، گزارش کرد که بین این دو گروه تفاوتی در میزان عزت نفس وجود ندارد. از آنجا که برقراری ارتباط و ایجاد حس امنیت و پذیرش در ناشنوایان امری دشوار است، به نظر می‌آید که هر ی پنهانی در پژوهشگران برای ورود به این حوزه وجود دارد. با نکه در نوشته ی پژوهشی در زمینه مشاوره و راهنمایی برای رفع مشکلات رشدی و رفتاری کودکان راههای بسیاری پیشنهاد شده است، جالب است بدانیم برای مشاوره که می‌خواهد با ناشنوایان یا والدین آنها کار کند کتابها یا نوشته‌های پژوهشی و نتایج تحقیقاتی چندانی در دسترس نیست. (تامپسون، ترجمه طهوریان ۳۸۴) در این میان سعی محقق بر ن قرار گرفت تا با ورود به ن حوزه به شناخت شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموان ناشنوا، میزان عزت نفس آنها و رابطه این دو عامل نایل شود و این نتایج را با نتایج حاصل از زمون دانش‌آموان شنوا و مادرانشان مقایسه کند تا بتوان از طریق آموزش به والدین ناشنوایان به ی کارگیری به ثرترین و کارآمدترین شیوه پرورش فرزند که سبب افزایش عزت نفس این عزیزان می‌شود، می‌هر چند مقدماتی ی استقلال، اجتماعی شدن و کاهش مشکلات نان برداشت و با تعمیم نتایج این پژوهش به معلمان و مربیان ناشنوایان، به آنان توصیه کرد که با اتخاذ شیوه‌های مناسب رفتاری در افزایش عزت نفس این گروه که زمینه ساز به ود بسیاری از مشکلات آنان است، مثرتر عمل کنند.

در این تحقیق فرضیه‌های زیر بررسی می‌شوند:

- بین دو ی فرزندپروری مادران دانش‌آموان ناشنوا و شنوا تفاوت وجود دارد.
- بین عزت نفس دانش‌آموان ناشنوا و شنوا تفاوت وجود دارد.
- ۳- بین دو ی فرزندپروری مادران دانش‌آموان ناشنوا و شنوا و میزان عزت نفس فرزندان آنها رابطه وجود دارد.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر، پژوهشی کاربردی است که به روش توصیفی با تاکید بر همبستگی انجام پذیرفته است جامعه آماری پژوهش حاضر را همه دانش‌آموان دختر ناشنوا و

شنوای مقطع متوسطه شهر تهران که در سال تحصیلی ۵، ۱۳۸۴ در مدارس ویژه ناشنوایان و مدارس عادی مشغول به تحصیل بودند و مادران هر دو گروه از دانش‌آموان یاد شده تشکیل می‌دادند. نمونه آماری پژوهش در خصوص دانش‌آموان دختر ناشنوا و مادران آنها، همان جامعه آماری آنان در نظر گرفته شد و همه دختران ناشنوا و مادران آنها مورد زمون قرار گرفتند. به خاطر امکان مقایسه بیشتر و بهتر، تعداد نمونه دانش‌آموان دختر شنوا و مادران آنها نیز به همان تعداد نمونه دانش‌آموان دختر ناشنوا و مادرانشان انتخاب شد.

طبق آمار اخذ شده از سازمان آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران، تعداد دانش‌آموان دختر ناشنوای مقطع متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۵، ۱۳۸۴، ۱۷۹ نفر بود که در چهار مرکز آموزشی ویژه ناشنوایان در مناطق ۱۲ آموزش و پرورش شهر تهران مشغول به تحصیل بودند. زان تعداد ۶۱ نفر به دلایل غیبت در روز اجرای آزمون، داشتن نقایص دیگر حسی، حرکتی که نتایج آزمون را مخدوش می‌ساخت، عدم همکاری دو دبیرستان بی در اختیار گذاشتن دانش‌آموان مقطع پیش‌دانشگای خود و ممکن نبودن دسترسی به مادران دانش‌آموان شهرستانی ساکن خوابگاه ویژه ناشنوایان، از حجم نمونه اولیه حذف شدند. در نتیجه حجم نمونه بی اجرای آزمون عزت نفس کوپراسمیت بر روی دانش‌آموان با ۱۱۸ نفر تقلیل یافت. در خصوص نمونه‌گیری دانش‌آموان دختر شنوا، بی کنترل عوامل فرهنگی و اقتصادی، از مناطق آموزش و پرورش ۱۲ شهر تهران که مدارس ویژه ناشنوایان در آن قرار داشت، به صورت هدفمند مدارس انتخاب شد که از لحاظ مکانی در نزدیکی مدارس ویژه ناشنوایان قرار داشتند. سپس به صورت تصادفی از هر مدرسه در مقطع متوسطه یک کلاس به صورت نمونه انتخاب شد که تعداد دانش‌آموان ۱۱۵ نفر شمارش شد. مادران هر دو گروه از دانش‌آموان یاد شده نیز جزء نمونه آماری این پژوهش بودند.

ابزار

۱) آزمون عزت نفس کوپراسمیت

۲) آزمون شیوهی فرزندپروری بامریند

آزمون عزت نفس کوپراسمیت این آزمون ۵۸ ماده دارد که ۸ ماده آن درون سنج است. دامنه پاسخهای آزمودنی به صورت بله، خیر است که هر فرد متناسب با وضعیت خود یکی از گزینه‌ها را انتخاب می‌کند. بدیهی است حداقل نمره‌ای که هر فرد ممکن است کسب کند، صفر و حداکثر آن ۵۰ خواهد بود. در این آزمون، با توجه به نحوه کسب شده هر فرد، سطح عزت نفس وی تعیین می‌شود. این آزمون زروایی و پایایی بالایی برخوردار است. روایی این آزمون بدین معنی که ماده‌ای موجود در آن، مفهوم عزت نفس فرد را می‌سنجد، مورد تایید است. دانش‌آموزانی که رتبه‌های پایین و روش تحقیق بود اکبری (۱۳۷۲)؛ به نقل از نبوی (۱۳۷۵). اما در گروه دانش‌آموزان به دلیل داشتن محدودیتهایی در درک زبان شفاهی، محقق روایی محتوایی این آزمون را در خصوص کاربرد آن برای ارزیابی عزت نفس دانش‌آموزان ناشنوا از چندتنی از اساتید و متخصصان رشته‌های کودکان استثنایی، شنوایی‌شناسی و گفتاردرمانی (آسیب‌شناسی گفتار و زبان) جویا شد و نشان میدهد که محتوای سؤالات این آزمون به شرط تفهیم آن با زبان اشاره می‌تواند عزت نفس دانش‌آموزان را اندازه بگیرد، اما باید خاطر نشان کرد که از آنجا که این بررسی به صورت آلی صورت نگرفته باید در تحلیل و نتیجه‌گیری از احتیاط لازم صورت گیرد.

برای تعیین پایایی این آزمون، پورشافی (۱۳۷۱) آن را بر روی یک گروه ۳۰ نفره اجرا کرد و پس از دو نیمه کردن (زوج - فرد) ضریب پایایی ۰/۸۳ را بدست آورد. گلبگی (۱۳۷۳) از طریق بازآزمایی بر روی ۱۸۰ نفر، ضریب پایایی ۰/۸۰ را بدست آورد.

محقق نیز پایایی آزمون عزت نفس کوپراسمیت را برای ارزیابی عزت نفس دانش‌آموزان ناشنوا، مورد بررسی قرار داد که پس از اجرای این آزمون، با زبان اشاره بر روی یک گروه ۳۰ نفره از دانش‌آموزان دختر دبیرستانی ناشنوا، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵ محاسبه شد.

آزمون شیوه‌های فرزندپروری بامریند: بامریند (۱۹۷۱، ۱۹۸۹، ۱۹۹۱) برای تحقیقات خود پرسشنامه‌ای را طراحی کرد که به نام خود او معروف شد، این پرسشنامه شامل ۵۰ سؤال است. در مقابل هر سؤال ۵ گزینه با عناوین «کاملاً موافقم»، «موافقم»، «تقریباً مخالفم» و «مخالفم» کاملاً مخالف قرار دارد که به ترتیب از صفر تا چهار،

نمر گذاری می شود. از جمع ، آلات مربوط به هر شیوه، سه نمره مجزا دست می آید. برای هر والد، شیوه ای که بیشترین نمره را به خود اختصاص دهد، به مثابه شیوه فرزندپروری آن والد در نظر گرفته می شود. به نقل از کرد نوقابی (۳۷۸) ضریب روایی و پایایی این آزمون در پرسشنامه ی مختلف در حد بسیار مقبلی نشان داده شده است.

در پژوهشی که اسفندیاری (۳۷۴) انجام داد تا امکان تغییر شیوه ی فرزندپروری والدین کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری را بررسی کند، از چند تن از صاحب نظران روان شناسی و روان پزشکی درخواست کرد تا میزان روایی هر جمله ی پرسشنامه را مشخص کنند. نتیجه حاصل نشان داد که این پرسشنامه دارای روایی محتوایی است. همچنین وی میزان پایایی این آزمون را در شیوه مقتدرانه ۰/۳، در شیوه مستبدانه ۰/۷ و در شیوه سهل گیرانه ۰/۹ محاسبه کرد. (به نقل از میرزایی ۳۸۴).

نحوه اجرای پرسشنامه ها:

در اجرای پرسشنامه عزت نفس، برای هر دو گروه دانش آموزان ناشنیده، محقق عبارات آزمون را یک به یک با زبان اشاره به آنها تفهیم کرد. چون تعداد دانش آموزان ناشنوا در هر کلاس بین ۴ تا ۱۰ نفر بود، امکان نظارت تنگاتنگ محقق بر اجرای آزمون وجود داشت و سعی شد مصادیقی که در صورت نیاز برای تفهیم و توضیح عبارتی کارگرفته می شد، در همه کلاسها و برای همه دانش آموزان یکسان باشد.

برای اجرای پرسشنامه شیوه ی فرزندپروری، در هر دو گروه نمونه تلاش زیادی انجام گرفت، اما عدم همکاری اوانی مدارس و همچنین اوانی دانش آموزان، محقق را ناگزیر کرد تا پرسشنامه مذکور را از طریق دانش آموزان برای مادرانشان ارسال و پس از تکمیل جمع آوری کند.

از ۱۱۸ پرسشنامه فرستاد شده برای مادران دانش آموزان ناشنوا ۶۹ پرسشنامه و از ۱۱۵ پرسشنامه فرستاد شده برای مادران دانش آموزان شنوا ۸۲ پرسشنامه تکمیل و به محقق بازگردانده شد. در نهایت تعداد این پرسشنامه ها نسبت به پرسشنامه ی عزت نفس دانش آموزان در هر دو گروه ناشنوا و شنوا با ارزشندی مواجه شد که البته این مسئله تا حد زیادی به نظر می رسد.

اما، ی استفاده از آزمونی آه ی ی ی بردن به رابطه بین مت.رها و تین فردیات پژوهش، محقق ناگزیر شد تا پرسشنامه ی عزت نفس دانش‌آمو ی را مورد بررسی قرار دهد که پرسشنامه ی و ی فرزندپر ی مادران آنها ی موجود باشد. لذا از ۱۱۸ پرسشنامه تک ی شده عزت نفس دانش‌آمو ان ناشنوا ۶۹ پرسشنامه و از ۱۱۵ پرسشنامه تک ی شده عزت نفس دانش‌آمو ان شنوا ۸۲ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل آه ی قرارگرفت.

یافته‌ها

الف - یافته ی توصیفی

جدول ۳ - توزیع فراوانی و درصد دانش‌آموزان شنوا و ناشنوا به تفکیک سن آنها

گروه‌ها	شاخصهای آماری	۱۵-۱۶	۱۷-۱۸	۱۹-۲۰	۲۱-۲۲	تعداد کل
شنوا	فرا ی (درصد)	۳۸ (. ۶۴)	۳۳ (. ۰۶۴)	۱۱ (. ۳۱)	۰	۸۲ (. ۴۰)
ناشنوا	فرا ی (درصد)	۱۰ (. ۴۰۹)	۳۱ (. ۴۱۲)	۲۰ (. ۸۰۸)	۸ (. ۱۰۹)	۶۹ (. ۵۱)

جدول ۴ - توزیع فراوانی و درصد میزان عزت نفس دانش‌آموزان شنوا و ناشنوا

گروه‌ها	شاخصهای آماری	عزت نفس بالا	عزت نفس پایین
دانش‌آمو ان شنوا	فرا ی (درصد)	۵۵ (. ۷۱)	۲۷ (. ۲۱)
دانش‌آمو ان ناشنوا	فرا ی (درصد)	۲۹ (. ۲)	۴۰ (. ۸)

جدول ۵- توزیع فراوانی و درصد شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان شنوا و ناشنوا

گروهها	شاخصهای آماری	اقتداری	استبدادی	سهل گیرانه
دانش‌آموزان شنوا	فرا	۷۶	۳	۳
	درصد	(٪ ۲۰)	(٪ ۱)	(٪ ۱)
دانش‌آموزان ناشنوا	فرا	۵۹	۶	۴
	درصد	(٪ ۵۱)	(٪ ۱)	(٪ ۱)

جدول ۶- توزیع فراوانی و درصد میزان تحصیلات مادران دانش‌آموزان شنوا و ناشنوا

میزان تحصیلات	شاخصهای آماری	شنوا	ناشنوا
زیر دیپلم	فرا	۴۸	۵۷
	درصد	(٪ ۸۱)	(٪ ۲۰)
دیپلم و بالای دیپلم	فرا	۳۴	۱۲
	درصد	(٪ ۱۱)	(٪ ۷)

ب) یافته‌های مربوط به فرآیند پژوهش:

فرزیه اول: 'بیز' و 'فرزندپروری' مادران دانش‌آموزان شنوا و ناشنوا تفاوت وجود دارد.

جدول ۷- t-محاسبه شده برای مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان شنوا و ناشنوا

شیوه‌ها	گروهها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t محاسبه شده	سطح معناداری
اقتداری	شنوا	۸۲	۴۳٫۱۸	۳٫۰۶	۱۴۹	۱٫۰۹	۰٫۰۶
	ناشنوا	۶۹	۴۲٫۰۵	۴٫۱۵			
استبدادی	شنوا	۸۲	۲۵٫۱۴	۵٫۰۲	۱۴۹	۰٫۰۲	۰٫۱۸
	ناشنوا	۶۹	۲۵٫۰۲	۵٫۱۰			
سهل گیرانه	شنوا	۸۲	۲۶٫۱۱	۵٫۰۳	۱۴۹	۰٫۱۰	۰٫۱۱
	ناشنوا	۶۹	۲۷	۴٫۰۷			

P<۰٫۰۱

همار گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، ب ۹۹ درصد اط نان می‌توان گفت، ن و ی فرزندپر ی مادران دانش‌آمو ان شنوا و ناشنوا با کد گر تفاوت ندارد. با توجه به ا نت ی گزارش شده در جدول، مشخص می‌شود که شتر مادران دانش‌آمو ان شنوا و ناشنوا ن و ه تر ی خود را اقتد ی گزارش کرد، اند. فرد ه دوم: بین عزت نفس دانش‌آمو ان شنوا و ناشنوا تفاوت وجود دارد."

جدول ۸ - t محاسبه شده برای مقایسه عزت نفس دانش‌آمو ان شنوا و ناشنوا

گروهها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t محاسبه شده	سطح معناداری
شنوا	۸۲	۳۷.۶	۷.۶۱	۱۴۹	۵.۷	۰.۰۱
ناشنوا	۶۹	۳۳.۲	۴.۶۰			

$P < ۰.۰۱$

همار گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، ب ۹۹ درصد اط نان می‌توان گفت، عزت نفس دانش‌آمو ان شنوا و ناشنوا با کد گر تفاوت دارد. به ان معنا که عزت نفس دانش‌آمو ان شنوا از دانش‌آمو ان ناشنوا شتر است. فرضیه سوم: "بین شیوه ی فرزندپروری مادران دانش‌آمو ان شنوا و ناشنوا و عزت نفس فرزندان آنها رابطه وجود دارد."

جدول ۹ - همبستگی محاسبه شده میان شیوه‌های فرزندپروری مادران و عزت نفس دانش‌آمو ان ناشنوا

استبدادی	همبست ی پیرسون سطح معناد ی	۰.۶۲ - ۰.۰۶
سهل گیرانه	همبست ی پیرسون سطح معناد ی	۰.۱۰ - ۰.۰۷
اقتداری	همبست ی پیرسون سطح معناد ی	۰.۰۵ ۰.۰۱

$P < ۰.۰۵$

همار گونه که در جدول ۹ ملاحظه می‌شود، مقدار همبست ی محاسبه شده ان دو ن و ه فرزندپر ی استبد ی و سهل رانه مادران و عزت نفس دانش‌آمو ان ناشنوا از

نظر آه ی معنادار است اما به ۹۵ درصد اطمنان می توان گفت که میان او و فرزندپری اقتد ی مادران و عزت نفس دانشر آمو ان ناشوا رابطه مثبت وجود دارد .

جدول ۱۰- همبستگی محاسبه شده میان شیوه های فرزندپروری مادران و عزت نفس دانش آموزان شنوا

استبدادی	همبسی رسون سطح معنادی	۰۱ - ۰۳
سهل گیرانه	همبسی رسون سطح معنادی	۰۲ -
اقتداری	همبسی رسون سطح معنادی	۰۱ - ۰۱۲

$P < 0.01$

همار گونه که در جدول ۱۰ ملاحظه می شود، مقدار همبسی محاسب شده میان دو ن او فرزندپری استبدادی و سهل گیرانه مادران و عزت نفس دانشر آمو ان شنوا از نظر آه ی معنادار است، اما به ۹۵ درصد اطمنان می توان گفت که میان او و فرزندپری اقتد ی مادران و عزت نفس دانشر آمو ان شنوا رابطه مثبت وجود دارد .

بحث و نتیجه گیری

فرزندپری (۱۰) ن او ی فرزندپری مادران دانشر آمو ان ناشنوا و شنوا تفاوت وجود دارد. نه چ زمون فرضیه نشان داد که ن او ی فرزندپری مادران دانشر آمو ان شنوا و ناشنوا با کد گر تفاوت ندارد و هر دو گروه از مادران ادشده در تعاملات خود با فرزندانشان شتر از او مقتدرانه سود می جند. نتج تحقیقات ان الدک و همکاران (۲۰۰۴)، > ی از آن است که تعاملات مادر با فرزند ناشی خود، به دو شکل متفاوت حمت شد و افری و اطرده و غفلت از اوست. همچنین نت و مارشال (۹۹۹) معتقدند که والدین نوجوانان ناشنوا در تعامل با آنها تسلط و قدرت ش ی از خود نشان می دهند و اشلزنگر و دبیت (۲۰۰۳) اد دارند که مادران د ی فرزند ناشنوا در مقسه با مادران د ی فرزند شنوا، کنترل ش ی بر فرزند خود ا مال می کند (کشاورزی ارشدی ۱۳۸۴). اما نه چ نتج > ی از آن است که آنها یز در تعامل با فرزند ناشی خود، شتر از ن او فرزندپری مقتدرانه استفاده می کنند.

در نتیجه این نتایج می‌توان گفت به نظر می‌رسد که مادران ناشنوا، در دایه‌سال‌هایی که با فرزند خود تعامل داشت‌اند، به تجربه دریافت‌اند که همه‌ی افرای طرد فرزند و غفلت و توجه‌ی نسبت به او، اثر مخربی را بر آنها خواهد گذاشت؛ طری‌که یا این فرزندان به شدت وابسته به مادر و مادر می‌شوند و از ارتباط با والدین، دیگر اعضای خانواده و دوستان و همسالان کنار می‌روند. از آنجا که این مادران اغلب نگران آینده فرزند ناشنای خود، رشد اجتماعی، استقلال و خودکامی او هستند، دریافت‌اند با استفاده از نه‌یوه‌ی مقتدرانه استقلال، خوداتمی، خودرهی و مسئولیت‌پذیری شایسته‌ی را به فرزندان خود هدیه می‌کنند و از این طریق بهتر می‌توانند آنها را به زندگی مستقل و با نشاط آماده سازند.

البته ناگفته نماند که برگزینی کلاس‌ی آموزش خانواده و جلسات مشاوره در مدارس و کلینیک‌ی مشاوره و توانبخشی، آموزش‌ی رسمی و همچنین شرف‌تجربیات و وسایل کمک‌کننده به ناشنوا، زودتر بهر شیشت‌ر مادران دای فرزند ناشنوا از اثربخشی نه‌یوه فرزندپری (شوه مقتدرانه) مؤثر است و از نگرانی‌ی مادران نسبت به آینده فرزندانشان کاسته است.

فردی (۱۳۸۱) نیز عزت نفس دانش‌آموزان ناشنوا و شنوا تفاوت وجود دارد. نتایج زمره‌ی رضیه نشان داد که عزت نفس دو گروه نمونه از دانش‌آموزان با کلام متفاوت است؛ به این معنا که عزت نفس دانش‌آموزان ناشنوا کمتر از عزت نفس دانش‌آموزان شنواست. این نتیجه با نتایج تحقیقات کوئل و کی (۱۹۸۲)، کی و همکاران (۹۹۵) و پادلاس (۹۹۶) همسو است. ام‌مورس (۹۹۵) در تحقیق خود عزت نفس ناشنوا را در حد افراد شنوا ارزی کرد. در نتیجه نتایج متناقض تحقیقات ادشده می‌توان به این نکته اشاره کرد که تفاوت‌ی جنسی، سنی و مذهبی همچون نوع آزمونی کاربرد بی‌سنجش عزت نفس دانش‌آموزان می‌تواند سبب تفاوت‌ها شده باشد. آنچه مسلم است در افراد ناشنوا، محدود بودن ارتباطات اجتماعی آنان، دیدگاه‌ها و قضاوت‌ی نادرست افراد جامعه، ناکام‌ی تجربه شده ناشنوا، در موقعیت‌ی مختلف خانوادگی، تحصیلی، شغلی، تعاملات آنها با والدین، معلمان، دوستان، آشنایان، پسخورا، به معمولاً صورت می‌گیرد از آنها دریافت می‌کنند و گاه تصور نادرستی که از ارتباط با افراد شنوا دارند می‌تواند از عواشی باشد که بر کاهش

عزت نفس آنها. ثر است که بالتبع می تواند بر جنبه های مختلف زندگی آنان تأثیرات مینماید.

فرد (۲۰۰۶) بیان می کند که فرزندی که مادران دانش آموزان ناشنوا و شنوا و بی زبان عزت نفس فرزندان آنها، رابطه وجود دارد.

نتیجه حاصل از زمون این فرضیه نشان داد که بین دو گروه فرزندی مقتدرانه دانش آموزان ناشنوا و شنوا و عزت نفس فرزندان آنها رابطه مثبت و معنادار وجود دارد؛ به این معنا که هر قدر عزت نفس فرزندی مادران هر دو گروه نمونه مقتدرانه تر باشد، عزت نفس فرزندان آنها بیشتر خواهد بود.

همچنین نتیجه نشان داد که در هر دو گروه نمونه، بین دو گروه فرزندی استبدادی و سهل انگارانه مادران با عزت نفس فرزندان رابطه معناداری وجود ندارد.

نتیجه با نتایج تحقیقات دیگر (واسی، ۲۰۰۶)، آنولا (۲۰۰۰)، هرز و همکاران (۱۹۹۹)، هفمن و شاف (۱۹۹۳) در خصوص دو گروه فرزندی مقتدرانه مادران و رابطه آن با عزت نفس فرزندان همسو است. در تبیین فردیه سود، بیدگفت (۲۰۰۶) بیان می کند که عزت نفس فرزندی و نوع تعاملی که بین آنها و فرزندان آنها است، نشان می دهد که چگونه عزت نفس فرزندی مقتدرانه، می تواند سبب افزایش عزت نفس در فرزندان شود.

خصوصیات ادبی والدین مقتدر شامل مشارکت و علاقه فراوان آنها به زندگی فرزندان، برقراری ارتباط صمیمانه با آنها، داشتن اطاعتنا و اعتماد به آنان و تصدیق به شان و تشویق و ارتقای استقلال ری آنهاست. (باربر، ۱۹۹۶)

آنان فرزندان خود را تشویق می کنند که علاقه، ارزشها و استعدادی خود را دنبال کنند و خود را به ازاها و توانایی فرزندان خود توجه دارند. (باربر و بن، ۲۰۰۲)

والدین مسبد، رفتار فرزندان را با قوین محکم و انعطاف ناپذیری کنترل می کنند و ای اصلاح رفتار آنان به زور و تهدید متوسل می شوند. تصامات آنها و چون و چراست و فقط از حفظ قانون و اطاعت از آن صحبت می کنند. (کاپلان، ترجمه روزبخت، ۳۸۱)

والدین سهل انگار از فرزندان خود حمایت و توقع العادی می کنند و ای آنان

محدودیت و نظم و انضباط خای را تعیین می‌کنند و از مقابله با فرزندان اجتناب می‌نمایند (پامرند ۹۹۱)

از آنچه گفته شد، می‌بینیم که عزت نفس در کودکان و نوجوانی به بهترین شکل رشد می‌کند که ارتباط آنها با والدین نشان به گونه‌ای باشد که به آنها اجازه تصدیق و فعالیت مستقل داده شود و رفتارهای مسئولانه فرزندان تشویق شود. در این خصوص تفاوتی بین نشوون و ناشنوان وجود ندارد. در ناشنوان عزت نفس در ابتدا در بستر خانواده شکل می‌گیرد و از همان الگوها مابعت می‌کند. بدون تردید، ناشنوانی که از عزت نفس رشد یافته برخوردار باشند، در زندگی اهداف بالایی را برای خود انتخاب می‌کنند، خودکفاتر، مولدتر و سازنده‌تر هستند. اضطراب و فشارهای کمی را تجربه می‌کنند، به شکست و انتقاد کمتر حساسیت نشان می‌دهند و کمتر از احساس درماندگی رنج می‌برند. آنان تمایل بیشتری به مواجهه با مشکلات دارند و بر نقاط قوت خود تمرکز می‌کنند؛ لذا نسبت به خود و توانمندی خود، نگرش مثبتی دارند؛ هرچند این امر سبب می‌شود تا از اجتماع کنار می‌نهند و به موفقیت‌های شخصی و تحصیلی خود دست‌انداختن می‌کنند. بر این اساس به سبب این ویژگی‌ها، عزت نفس و احساس خودارزشمندی و خوداتکایی می‌کنند که این یک فرد ناشنوان، بسیار مهم و اساسی و ضامن استقلال، ثبات عادی و رشد همه جانبه اوست.

با توجه به نتایج این تحقیق، می‌توان پیشنهادهای زیر را مطرح کرد:

- انجام پژوهش در سه گروه والدینی ناشنویان.
- انجام پژوهش در پسران و مقایسه آن با نتایج پژوهش حاضر.
- دادن آموزش‌های لازم به اولیای مدارس و والدین (خصوصاً والدین دانش‌آموزان ناشنوا) برای تعامل بهتر و سازنده‌تر با آنها.
- دادن آموزش‌های لازم به دانش‌آموزان خصوصاً دانش‌آموزان ناشنوا، برای افزایش عزت نفس و احساس خودارزشمندی آنها.

یادداشتها

- | | |
|---------------|------------------|
| 1) Demanding | 2) Accepting |
| 3) Responsive | 4) Authoritative |
| 5) Democratic | 6) Authoritarian |

- | | |
|----------------------|---------------|
| 7) Permissive | 8) Uninvolved |
| 9) Brophy | 10) Hart |
| 11) Dewolf | 12) Burts |
| 13) Forman | 14) Kochanska |
| 15) Loeb & Sarigiani | 16) mores |

منابع

- آقاجری، زهرا (۱۳۷۴). بررسی تأثیر شیوه‌های فرزندپروری والدین بر عزت نفس و سازگاری فرزندان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهراء (س).
- اسلامی، دوست، ثریا (۱۳۸۳). بررسی و مقایسه مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر نابینا و ناشنوای دبیرستانهای نرجس و نیمروز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.
- برجعلی، احمد (۱۳۷۸). تأثیر سازگاری و الگوهای فرزندپروری والدین بر تحول روانی - اجتماعی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران، پایان نامه دکتری، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- بابانگرا، اسماء (۱۳۸۰). روش‌های عزت نفس در کودکان و نوجوانان. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- تامپسون، چارلز (۱۳۸۴). مشاوره با کودکان، ترجمه جواد طویلی. تهران: انتشارات رشد.
- صدرالسادات، دجلا (۱۳۸۰). عزت نفس در افراد نابینا. تهران: انتشارات سازمان بهزیستی و توانبخشی.
- کاپلان، پاول (۱۳۸۱). سفر پرماجرایی کودک، ترجمه مهرداد فیروزبخت. تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- کردنو، رسول (۱۳۷۸). روابط بین سبک‌های شناختی وابسته به زبان و وابسته به زبان. دانش‌آموزان و روش‌های تربیتی مورد استفاده والدین آنها. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.

کشاوی‌ارش، ی، فرناز؛ ت، ی، پ، سا (۱۳۸۴). *روانشناسی آموزشی ناشدنی‌ها*. تهران: انتشارات شرح.

کلمز، هم‌س و همکاران (۱۳۸۳). *روش‌های تقویت عزت نفس در نوجوانان*، ترجمه پروین عیوب، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضی.

گال، مرتضی؛ بروگ، والتر؛ گال، جم‌س (۱۳۸۲). *روش‌های تحقیق کیفی و کمی در علوم تربیتی و روان‌شناسی*، متجمان احمدرضا نصر و دیگران. تهران: انتشارات سمت.

محمدی، شهربانو (۱۳۸۳). *مقایسه زنان اختلالات رفتاری دختران نوجوان با توجه به شش‌ماهگی فرزندپری و والدین در دبیرستان‌های شهرستان مازندران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

مختار بختیار، زهره (۱۳۷۹). *بررسی تفاوت رشد اجتماعی دانش‌آموزان شنو و ناشنوای پسر ۷-۱۰ ساله*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

میرزایی، لیلا (۱۳۸۴). *بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری مادران با رشد شناختی کودکان ۷-۱۰ ساله با تأکید بر خلاقیت دقت و حل مسئله*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

نبوی، سید صادق (۱۳۷۵). *بررسی ارتباط عزت نفس و اضطراب امتحان در دانش‌آموزان پایه دوم دبیرستان‌های نمونه و عادی تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.

Alizade , H & Andries , C. (2002). Interaction of Parenting styles and attention deficit hyperactivity disorder in Iranian parents. *Child & Family Behaviour Therapy*, 24, 37-52.

Aunola , K. Statin & H, Nurmi , J. (2000). Parenting style and achievement strategies. *Journal Adolescence*, 23, 200-222.

- Barber , B.K.(1996). Parental control: Revising a neglectful construct. *Child Development*. 67, 3296-3319.
- Barber, B.K.& Bean, R.L.& Erickson, L.D (2002). *Expanding the Study and Understanding of Psychological Control* . Haworth press.
- Baumrind , D.(1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence* , 11 , 56-95.
- Berk , L.e. (2000) , *Child Developments*. Fifth edition, Cole Publishing Company.
- Berns , Roberta M. (2006). *Child Family , School , Community*. Belmont Publisher U.S.A.
- Darling , N. (1999), *Parenting Style and its Correlates: Genetics , Social & General Psychology Monographs*. 125 , Issue 3 , 269-297.
- Goldberg , H. & Goldberg , T. (2000), *Counseling Today's Family*. (Third ed). Brooks / Cole Publishing Co.
- Hunt , N & marshal, K.(1994). *Exceptional Children and Youth*. Houghton Mifflin Company.
- Fliger , J, C. & Vazsonyi , A. T. (2006) Parenting process and dating violence. *Journal of adolescence* : 29, Issue 4 , 495-512.
- Hunter, T.(2006). *Hearing impairment*. Retrieved from:
<http://www.kidshealth.org/kid/health problems / slight/hearing-impairment.html>
- Mac, A, Jouhn D.(2004).*Self-Esteem*. Retrieved from:
<http://www.maces.ucsf.edu/Research/psychological>
- Pudlas, K.A.(1996). Self –Esteem and self – Confidence. Retrieved from:
www.eric.ed.gov/eric veb portal
